

بررسی تاثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی ناشویی

حمیدرضا حاتمی*، محمدباقر حبیبی*، علیرضا اکبری***

چکیده

مقدمه: هدف از تحقیق حاضر سنجش میزان اثرات دینداری بر رضایت از زندگی در گروهی از پاسداران متاهل در سپاه بوده است. در این راستا پرسش‌هایی مطرح گردید که عبارت است از: دینداری چه رابطه‌ای با رضایت از زندگی دارد؟ کدام یک از ابعاد دینداری با رضایت از زندگی رابطه قویتری دارد؟

روش: روش مطالعه حاضر پس‌رویدادی و از نوع همبستگی می‌باشد. جمعیت آماری تحقیق را گروهی از پاسداران متاهل در سپاه تشکیل می‌دادند. تعداد 370 نفر به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شده از شیوه نمونه‌گیری «طبقه‌ای متناسب» استفاده شد.

یافته‌ها: هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، رضایت از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد.

در بررسی میزان اثر ابعاد و اشکال مختلف دینداری بر رضایت از زندگی دریافتیم که میان هر یک از این ابعاد و رضایت از زندگی رابطه مشخصی برقرار است. با وجود آنکه هر چهار رابطه مورد نظر معنی‌دار و مستقیم و مثبت هستند. اما میان ابعاد یا اشکال مختلف دینداری و رضایت از زندگی از جهت ضریب شدت رابطه تفاوت وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر این نکته هستند که سه بعد اعتقادی و پیامدی و احساسی رابطه قویتری با رضایت از زندگی فرد داشته‌اند. این امر می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی باشد. به طور مثال همانطور که جداول توصیفی نشان می‌دهند افراد مورد تحقیق در سه بعد اعتقادی و احساسی و پیامدی نسبت به سایر ابعاد از دینداری قوی‌تری برخوردارند و از آن جا که رضایت از زندگی پاسداران در سطح بالایی قرار دارد این رابطه‌ها، شدت بیشتری به خود می‌گیرند.

کلید واژه‌ها: رضایت از زندگی، دین و دینداری، نظریه‌های کارکردی.

* استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، گروه روان‌شناسی.

** استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، گروه روان‌شناسی.

*** کارشناس ارشد مددکاری - دانشگاه جامع امام حسین (ع).

مقدمه

رضایت زناشویی یکی از عوامل موثر در ثبات و پایداری خانواده‌ها و در عین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان است. در صورتی زندگی زناشویی به رضایت زندگی می‌انجامد که واجد آرامش، انسجام و امنیت عاطفی باشد. این ابعاد زندگی زناشویی است که وجود هر چه بهتر و کاملتر آن، رضایت از زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد. احساس وابستگی و انسجام درونی بین اعضا خانواده، احساس آرامش مقاومت و تحمل‌پذیری در برابر مشکلات، امنیت عاطفی درون خانواده، اهمیت مسائل خانواده در مقابل مسائل فردی و... از جمله ابعاد مهم زندگی مشترک است.

همسران با داشتن وابستگی بیشتر به هم و داشتن احساس انسجام درونی، احساس رضایت را در خود ایجاد می‌کنند. انسجام گروه را می‌توان به عنوان سطح بالای خانواده مطرح نمود. وقتی اعضای خانواده بتوانند نیازهای همدیگر را در جهت هدف فردی و جمعی خود تامین نمایند، در واقع موجب انسجام خانواده می‌شوند. به عبارتی انسجام گروه به عنوان سطح بالای تحول، درگرو مشارکت، هدفمندی و عملکرد متناسب با تامین تعامل نیازهای اعضای گروه می‌باشد. براین اساس، انسجام خانواده را می‌توان به عنوان مهم‌ترین مولفه پویایی و حفظ آن قلمداد نمود (پورحسین، 1385).

وجود آرامش درون خانواده و همین‌طور بین همسران از دیگر مولفه‌های مهم و تاثیرگذار بر روابط زن و شوهر می‌باشد. با حفظ آرامش حاکم بر این رابطه، شاهد کاهش مشکلات روحی- روانی و در پی آن کاهش نزاع‌ها و مشاجرات بین زوجین خواهیم بود. امنیت عاطفی، مقاومت‌پذیری در برابر مشکلات و... دیگر مولفه‌های مهم زندگی مشترک هستند که هر کدام با تاثیرگذاری بر روابط زن و شوهر مسیر حرکت را برای طرفین ازدواج هموار و رضایت‌کننده می‌سازد. ابعاد مذکور در آثار برخی از صاحب‌نظران فلسفه و علوم رفتاری و اجتماعی، با کارکردهای مهم دینی همسویی نزدیکی دارد.

ادی کارکردهای دین را حمایت، هویت بخشی و انسجام بخشی عنوان می‌کند. در این رویکرد دین عاملی

برای کاهش انزوای اجتماعی، تحکیم همبستگی اجتماعی، زمینه‌ای برای پذیرش هنجارها و افزایش پیوند و انسجام درون خانواده می‌شود. با وجود چنین کارکردی، در جامعه نوعی انسجام اجتماعی پدید می‌آید (ادی، 1961).

در نگاه ادی، یکی از کارکردهای اصلی دین، حمایت و تسلی برای محرومین است. همواره جوامع در توزیع و تخصیص ارزش‌های کمیاب در میان اعضای خود با مسائل جدی مواجه‌اند. از آن جا که این ارزش‌ها نسبت به افراد جامعه کمیاب هستند، بنابراین همیشه کسانی وجود دارند که دست کم به طور نسبی محروم می‌مانند. دین برای محرومین و برای کسانی که ناکام مانده‌اند تسلی خاطر به بار می‌آورد و برای شرایط سختی که به دلیل محرومیت پدید آمده است، حمایت عاطفی ارائه می‌کند. این امر به سازگاری فرد و گروه‌های مخالف، با نظام ارزشی موجود منجر می‌گردد و از این طریق ارزش‌ها و اهداف تثبیت شده دوام می‌یابند. (ادی، 1961).

دین با آماده سازی انسان از طریق تعریف معنای غایی زندگی و با القای حس تعلق به آن در قبال اجتماع مذهبی، به نحو چشمگیری در تعریف افراد از خود ایفای نقش می‌نماید. دورکیم با تاکید بر طبیعت اجتماعی و نقش دین در جامعه ابتدایی، اهمیت این کارکرد را نشان داده است. ویل هربرگ معتقد است که امروزه مبنای تعریف افراد از خود و هویت یابی آمریکایی‌ها نسبت به گذشته از قومیت به مذهب تغییر کرده است. (ادی، 1961).

دیگران نیز به همین نحو از دین به عنوان عاملی برای ایجاد همبستگی اجتماعی و کاهش آتومی یاد می‌کنند. دورکیم معتقد بود که مذهب ارتباطات اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند. اعتقادات مذهبی قوی در یک جامعه ارزش‌ها و هنجارهای گروه را به وسیله اضافه کردن یک بعد مقدس به زندگی روزمره، تقویت و تحکیم می‌بخشد. شعایر مذهبی از طریق جمع کردن مردم در یک محل، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. مشارکت در انجام شعایر و مناسک مذهبی، چیزی بیشتر از حضور اعضا را به افراد القا می‌نماید (جلالی مقدم، 1379).

به همین ترتیب یینگر معتقد است با تکیه بر کارکرد دین در پاسخدهی به مسائل بشری، شاهد رفع اضطراب و کاهش نگرانی‌های انسان به دلیل گم‌شدن در مسیر و

در جامعه مدرن به ظاهر هیچ دینی ندارند نیز تابع برخی از ارزش‌های مطلق هستند و در زندگی آنها را بکار می‌گیرند. به طور مثال، حتی آنارشیست‌ها و هرج و مرج طلبان نیز برای رهایی از سلطه به برخی از هنجارها و قواعد هنجارین که آنها را از سلطه‌ی نظام‌های انضباطی موجود برهاند، ملتزم هستند. (هولاب، 1378).

در عین حال باید توجه داشت که دین با وجود آنکه فرد را به نظام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های آن پیوند می‌دهد و موجب رضایت از زندگی می‌گردد. هر چند به زعم برگر این ضرورت کارکردی دین است که با معنابخشی در سطح خرد موجب آرامش خاطر افراد و رضایت از زندگی و در سطح کلان سبب ایجاد نظم و ثبات در جامعه می‌گردد. اما باید توجه داشت که این امر می‌تواند راه را بر هر تغییر و دگرگونی اجتماعی ببندد.

به واقع این مفروض کارکردی برگر که دین ضرورت کارکردی دارد و اینکه در همه مکان‌ها و زمان‌ها انسان نیاز ذاتی به معنا داشته است، می‌تواند عامل اصلی تلقی دین به عنوان یک نظام معنابخش هماهنگ قلمداد گردد که آن را به عنوان ابزاری برای استقرار و ثبات وضع موجود و عاملی برای حذف بی‌نظمی و رفع نیاز انسان به ثبات و آرامش ناشی از معنایابی واقعیت معرفی نماید.

بر اساس این کارکرد (کارکرد انسجام بخشی) دین با ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، رفتارهای مشترک را ایجاد می‌کند، که این رفتارهای مشترک در بین اعضای خانواده که از طریق کارکرد انسجام بخشی دین تبیین می‌گردد موجب وابستگی و انسجام درونی خانواده می‌گردد. کارکرد دین تحکیم گروه است (دورکیم، 1384).

دورکیم، یینگر، برگر و ادی دین را به عنوان عامل قوام بخش و مانعی برای بروز اختلافات یاد کرده‌اند.

به زعم دورکیم مذهب ارتباطات اخلاقی را ایجاد و حفظ می‌کند. اعتقادات مذهبی قوی در یک جامعه ارزش‌ها و هنجارهای گروه را به وسیله اضافه کردن یک بعد مقدس به زندگی روزمره، تقویت و تحکیم می‌بخشد. شعایر مذهبی از طریق جمع کردن مردم در یک محل، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. مشارکت در انجام شعایر و مناسک

در نتیجه بی‌عملی او هستیم. در واقع دین با ارائه کارکردهای سه گانه تعیین وضعیت کنونی فرد و اجتماع، هدف نهایی و مسیر شناخت، کارکرد آرامش بخشی و حذف اضطراب را در افراد ایفا می‌کند. یادآور می‌شود که «با تمرکز بر باور و اعتقاد دینی، فرد جای خالی بیشتر حالات زودگذر و ناگهانی مربوط به مسائل غایی را احساس نمی‌کند» (یینگر، 1996).

وی معتقد است که انسان‌ها تنها در اجتماع و با همیاری یکدیگر به نظم بخشی جهان پیرامون می‌پردازند و با معنی کردن عالم به طور مشترک و همگانی، تجربه‌های آتی را معنا می‌بخشند. با تکیه بر این نظام معانی است که بشر تجربه‌های روزمره را تفسیر می‌کند و با نتایج حاصله از این آزمون معنی و پاسخگویی نظام معانی موجود در جهان اجتماعی تجربه‌های روزمره را معنی‌دار می‌سازد. (برگر، 1974).

به زعم پیتر برگر تقدس بخشی به روابط ذاتی میان اشیاء و تلقی آنها به مثابه نظامی بیرون از فرد از جمله کارکردهای اساسی دین برای تداوم بخشی به نظم اجتماعی و ایجاد شرایط پایدار است. مقررات، ارزش‌ها، طرزتلقی‌ها، نقش‌ها و نهادهای برآمده از آن بسیار بی‌ثباتتر از آن هستند که بدون یک نظام مشروعیت‌ساز بتوانند دوام یابند. دین از طریق القای هنجارها و ارزش‌های موجود اجتماع به عنوان بخشی از نظم ذاتی هستی، مومنان را در وفاداری و تعهد به این ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی یاری می‌بخشد. بدین ترتیب دین از طریق معنی بخشی و مشروع سازی هنجارهای اجتماعی، نظم موجود را تثبیت می‌کند و موجب رضایت از زندگی فرد می‌گردد. «دین در سراسر تاریخ یکی از موثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است» (هیلتون، 1381).

از نظر یینگر عضویت در گروه‌های دینی می‌تواند هویت ثابت و مشخصی را برای افراد پدید آورد که در مقایسه با سایر گروه‌های صنفی کمتر ابزاری و آنی بوده و می‌تواند روابط مداوم، ثابت، غیر حسابگرانه و هنجارگونه را برای افراد به ارمغان آورد. (رابرتسون، 1978).

باید در نظر داشت که از نظر یینگر اعتقاد به ارزش‌های مطلق که تبیینگر پرسش‌های بنیادی بشر باشند دین محسوب می‌شود. بنابراین حتی کسانی که

این تحقیق، یک پژوهش پس رویدادی و رابطه ای از نوع همبستگی یا همخوانی می باشد. اطلاعات مورد نیاز برای تحقیق ما از طریق پرسشنامه کتبی جمع آوری گردید که پرسشنامه بر اساس شاخص های متغیرها ساخته شده و استاندارد گردید. پرسشنامه در برگیرنده بخش های مختلف مشخصات فردی و مقیاس های چند بعدی برای سنجش دینداری و رضایت از زندگی زناشویی می باشد. در هر بخش از پرسشنامه متناسب با ویژگی متغیر مورد نظر سوالات باز، بسته و یا به صورت طیف مطرح شد و به صورت حضوری و مراجعه به افراد توسط خود آنها تکمیل گردید. در این پژوهش پس از گردآوری داده ها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS به تجزیه و تحلیل داده ها پرداختیم. از آزمون های ضریب پیرسون، آزمون T، تحلیل واریانس، تحلیل رگرسیونی دو و چند متغیره نیز جهت آزمون فرضیات و سنجش روابط بین متغیرها استفاده گردید.

جامعه آماری: جمعیت آماری این تحقیق متشکل از گروهی از افراد متأهل کارمند شاغل در سپاه می باشد که دین آنها مسلمان و شیعه است. جهت انتخاب حجم نمونه با توجه به محدودیت های زمانی و امکانات تحقیق، دقت احتمالی یا درجه اطمینان را برابر 0/05 و احتمال خطا یا صحت برآورد را 0/5 در نظر گرفتیم. بنابراین تعداد 367 نفر به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد که به دلیل وجود احتمال ریزش پرسشنامه ها به 370 نفر افزایش یافت. در این تحقیق از شیوه نمونه گیری «طبقه ای متناسب» استفاده شد. «نمونه گیری طبقه ای وقتی به کار می رود که جامعه آماری دارای ساخت همگن و متجانس نبوده و از اجزاء گوناگون تشکیل شده باشد. در چنین مواردی باید جامعه به طبقاتی تقسیم شود که هر یک از آنها دارای ساخت متجانسی باشند و سپس از هر طبقه (به صورت یک جمعیت آماری خاص) یک نمونه گرفت. در نمونه گیری طبقه ای متناسب، تعداد نمونه در هر طبقه به اندازه ی نسبت آن طبقه در کل جامعه ی آماری است» (رفیع پور، 1378). بدین ترتیب بسته به رده های سپاه، نمونه مقتضی استخراج گردید. پرسشنامه ها به طور اتفاقی در میان این طبقات توزیع شدند.

مذهبی، چیزی بیشتر از حضور اعضاء را به افراد القا می نماید (جلالی مقدم، 1379).

ویلهم، استدلال می کند که دورکیم با یکی دانستن دین و جامعه و تأکید بر توانایی تبیینگری و نیز نقش تحکیم کننده آن در ایجاد قید و بند اجتماعی، بدون شک بر یک نقش و عملکرد مهم دینی تأکید می ورزد. دورکیم با تأکید بر نقش دین در انسجام بخشی و رشد همبستگی و اتحاد در جامعه، از آن به عنوان یک عامل نظم اجتماعی یاد می کند. (ویلهم، 1377).

کارکرد دیگر دین، کارکرد معنا بخشی است که بعد آرامش درونی خانواده را پوشش می دهند. دین از طریق شناساندن مبدا، مقصد و مسیر حرکت و به طور کلی با شناساندن هدف زندگی به انسان مسیر حرکت و الگوهای رفتاری خاصی می دهد. که به زندگی انسان اینگونه معنی می بخشد. کارکرد معنی بخشی دین آرامش را درون خانواده ایجاد می کند.

در دستگاه فکری دورکیم، بینگر، برگر و حتی مارکس دین عاملی برای آرامش بخشیدن به انسان تعبیر می شود. لذا هر دینی با امید بخشی به مؤمنان ندای زندگی بهتر را در جهان پس از مرگ نوید می دهد و آرامش را درون زندگی ایجاد می نماید (بشیریه، 1378).

کارکرد دین در زندگی افراد آرامش بخشی، امیددهی، تولید شادایی، ارائه معنای زندگی، رضایت باطن و زندگی اصیل است. (ملکیان، 1381). نقش اصلی دین در برآورد نیازهای آدمی، کاهش رنج و درد و معنی بخشی به این دردها و رنج های ناتمام است. چیزی که علم با وجود قابلیت های بسیار، از آن برخوردار نیست. علم شاید بتواند دردها و رنج های بشری را تقلیل دهد اما نمی تواند به رنج های موجود معنی بخشد (ملکیان، 1383). معنی بخشی حتی به دردها و کاهش این رنج های بزرگ، آرامش را ایجاد می کند.

دین با چنین کارکردهایی (انسجام بخشی، معنا بخشی، قوام بخشی و...) در اجتماع بر درون روابط خانوادگی، با ابعاد مختلف زندگی زناشویی (انسجام و وابستگی درونی بین همسران، آرامش درون خانواده امنیت عاطفی و...) رابطه دارد.

زمینه‌های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص نماید. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ از 115 سوال بسته و 12 مقیاس تشکیل شده است که به جز مقیاس اول آن که 5 سوال دارد، بقیه مقیاسها شامل 10 سوال است. پاسخ به سوالات به صورت 5 گزینه ای لیکرتی (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) است. دوازده بعد این متغیر به همراه تعداد گویه های آن و شماره گویه‌ها داخل پرسشنامه که انریچ آن را تبدیل به مقیاس کرده عبارتند از:

تعریف عملیاتی متغیرهای رضایت زناشویی: منظور از رضایت زناشویی، میزان نمره ای است که فرد از آزمون انریچ کسب می کند. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات متعددی برای رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. انریچ برای متغیر رضایت زناشویی دوازده بُعد در نظر گرفته است. هر یک از ابعاد این متغیر در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم رضایت از زندگی زناشویی است. ارزیابی این ابعاد در درون یک رابطه زناشویی می تواند مشکلات بالقوه زوجها را توصیف کند یا می تواند

جدول 1- توزیع گویه‌های رضایت از زندگی زناشویی

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	شماره گویه‌ها
رضایت از زندگی زناشویی	پاسخ قراردادی	5	1-5
	رضایت زناشویی	10	6-15
	موضوعات شخصیتی	10	16-25
	ارتباط زناشویی	10	26-35
	حل تعارض	10	36-45
	نظارت مالی	10	46-55
	فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت	10	56-65
	روابط جنسی	10	66-75
	ازدواج و بچه‌ها	10	76-85
	بستگان و دوستان	10	86-95
	نقشهای مربوط به برابری زن و مرد	10	96-105
	جهت گیری عقیدتی	10	106-115
جمع	115	1-115	

تلاش‌هایی برای ارائه مدل‌های سنجش دینداری بومی و متناسب با دین اسلام و شرایط ایران صورت گرفته است. جدول زیر تعداد گویه های طراحی شده برای هر یک از ابعاد دینداری و تعداد کل گویه های مربوط به آن را در پرسشنامه اولیه نشان می‌دهد.

دینداری: در این تحقیق از مقیاس گلاک و استارک استفاده شده است. این مقیاس مکرراً در خارج و داخل کشور آزمون گردیده و برای سنجش دینداری از محتوای مناسبی نیز برخوردار است. این مقیاس در 26 گویه و چهار بُعد ارائه شده است. شایان ذکر است که در سال‌های اخیر

جدول 2- توزیع گویه‌های دینداری

متغیر	ابعاد	تعداد گویه
دینداری	اعتقادی	7
	عاطفی	6
	پیامدی	6
	مناسکی	7

26	جمع
----	-----

آزمون مقدماتی^۱: اعتبار^۲ و پایایی^۳

جدول ۳- اعتبار و پایایی مقیاس رضایت از زندگی زناشویی

پایایی مقیاس رضایت از زندگی زناشویی				
کای بارتلت (KMO)	آلفای کرونباخ	گویه‌های محذوف	گویه‌ها	بعد
0/91	$\alpha=0/76$	3 و 4	1-5	پاسخ قراردادی
0/85	$\alpha=0/86$	8 و 13 و 14 و 15	6-15	رضایت زناشویی
0/68	$\alpha=0/89$	16 و 17 و 19 و 24	16-25	موضوعات شخصیتی
0/78	$\alpha=0/74$	26 و 27 و 32 و 33 و 35	26-35	ارتباط زناشویی
0/81	$\alpha=0/72$	37 و 38 و 39 و 43 و 44	36-45	حل تعارض
0/91	$\alpha=0/84$	46 و 47 و 49 و 51 و 55	46-55	نظارت مالی
0/77	$\alpha=0/87$	57 و 58 و 59 و 60 و 64	56-65	فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت
0/69	$\alpha=0/79$	66 و 69 و 70 و 71 و 72	66-75	روابط جنسی
0/83	$\alpha=0/78$	79 و 80 و 81 و 82 و 83 و 84	76-85	ازدواج و بچه‌ها
0/92	$\alpha=0/85$	86 و 87 و 88 و 92 و 93 و 94 و 95	86-95	بستگان و دوستان
0/85	$\alpha=0/89$	104	96-105	نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد
0/81	$\alpha=0/74$	106 و 108 و 109 و 111 و 113 و 114	-115 106	جهت‌گیری عقیدتی
	$\alpha=0/93$		1-115	کل مقیاس

اعتبار و پایایی مقیاس دینداری

جدول 4- اعتبار و پایایی مقیاس دینداری

پایایی مقیاس دینداری				
کای بارتلت (KMO)	آلفای کرونباخ	گویه‌های محذوف	گویه‌ها	بعد
0/91	$\alpha=0/92$	-	1-7	اعتقادی
0/85	$\alpha=0/86$	-	8-13	عاطفی
0/66	$\alpha=0/63$	دو گویه	14-19	پیامدی
0/87	$\alpha=0/89$	-	20-26	مناسکی
0/93	$\alpha=0/95$	-	1-26	کل مقیاس

یافته‌های پژوهش

جداول توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

جدول 5- توزیع ابعاد رضایت از زندگی زناشویی

وضعیت بستگان و دوستان	وضعیت روابط جنسی	وضعیت فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت	وضعیت جهت‌گیری عقیدتی	وضعیت رضایت زناشویی	وضعیت حل تعارض	وضعیت ارتباط زناشویی پاسخگویان	وضعیت ازدواج و بچه‌ها	وضعیت موضوعات شخصیتی	پاسخ قراردادی	خیلی کم
0	14/9	0	0/5	0/8	4/3	0	0	0	0	

1- Pilot testing.
2- Validity.
3- Reliability.

0	21/9	12/7	19/5	4/9	24/9	1/6	21/1	4/2	0	کم
18/4	30	16/2	14/6	27/6	15/7	25/4	18/9	7/15	30	متوسط
71/4	30/3	32/2	37/8	57/8	24/9	61/6	42/7	50	52/7	زیاد
10/3	3	38/9	27/6	8/9	30/3	11/4	17/3	9/31	17/3	خیلی زیاد
100	100	100	100	100	100	100	100	100	100	جمع
3/91	2/84	3/97	4	3/69	3/84	3/82	3/56	11/4	3/87	میانگین
0/53	1/10	1/03	1/44	0/73	1/65	0/83	1	0/67	0/67	انحراف معیار

توزیع ابعاد و اشکال دینداری

جدول 6- وضعیت ابعاد دینداری

دینداری عاطفی	دینداری پیامدی	دینداری اعتقادی	دینداری مناسکی	
0/27	0/6	0	0	خیلی کم
1/4	2/7	0/27	8/9	کم
8/9	6/7	7/5	17/5	متوسط
47/8	40.5	49.9	41.5	زیاد
41/6	42/5	43/3	32/1	خیلی زیاد
100	100	100	100	جمع
3/9	3/7	3/88	3/34	میانگین
4/44	4/5	4/25	3/79	انحراف معیار

هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، رضایت از زندگی زناشویی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دارد.

پس از آن که به توصیف و تشریح هر یک از ابعاد متغیرهای تحقیق پرداختیم، نوبت به آن می‌رسد تا به آزمون فرضیات اصلی تحقیق بپردازیم. بدین منظور دو فرضیه اصلی تحقیق مطرح شده، در اینجا از طریق آزمون‌های آماری (رگرسیون دو متغیره و پیرسون) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند

جدول 7- رابطه دینداری و رضایت از زندگی زناشویی

شاخص‌ها / متغیرها	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب بتا (β)	(Constant) B	سطح معنی داری
دینداری و رضایت از زندگی زناشویی	0/614	0/50	0/614	123/913 0/194	** P<0/01

عرض از مبداء به معنی آن است که اگر تاثیر متغیر دینداری کنترل شود، پایه رضایت از زندگی برابر است با (123/913). حال اگر متغیر دینداری را وارد معادله نماییم به ازای هر واحد تغییر در متغیر دینداری در حدود (0/194) تغییر مثبت در رضایت از زندگی زناشویی قابل پیش‌بینی است. ضریب بتا نشان می‌دهد که تاثیر خالص دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی برابر با (0/614) است.

شواهد نشان می‌دهند ضریب همبستگی دینداری و رضایت از زندگی زناشویی برابر است با (0/614). نسبتی از واریانس متغیر رضایت از زندگی زناشویی که از طریق دینداری تبیین شده است در حدود (0/5) است. نسبت F دلالت بر آن دارد که رابطه میان دینداری و رضایت از زندگی به لحاظ آماری معنی‌دار است. (P<0/01)

برای آگاهی از این نکته که هر یک از ابعاد دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی چقدر اثرگذار است به رابطه دو متغیره هر یک از این ابعاد بر متغیر وابسته مبادرت نمودیم.

از جدول زیر می‌توان دریافت که میان متغیر رضایت از زندگی زناشویی و ابعاد مختلف دینداری همبستگی معنی‌داری برقرار است. شدت همبستگی میان متغیر رضایت از زندگی زناشویی و ابعاد دینداری حاکی از این است که میان این متغیرها همبستگی قوی (عاطفی و پیامدی و اعتقادی) تا متوسطی (مناسکی) برقرار است. همچنین این رابطه در تمام موارد مثبت بوده و بیانگر اثر مثبت میان متغیرهاست. بدین معنی که هر چه بر نسبت ابعاد یا اشکال مختلف دینداری در فرد افزوده شود به همان نسبت بر میزان رضایت از زندگی زناشویی افزوده می‌شود.

نتایج فوق دلالت بر این امر دارند که فرضیه مورد نظر ما تایید شده است و آن گونه که از تئوری‌های کارکردی قابل استنتاج است، می‌توان عنوان نمود که حضور هر چه بیشتر دین در زندگی فرد موجب افزایش رضایت از زندگی زناشویی خواهد گردید.

رابطه ابعاد مختلف دینداری و رضایت از زندگی زناشویی متفاوت است. برای بررسی میزان اثرگذاری ابعاد و اشکال مختلف دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی ابتدا ابعاد برآمده از تحلیل عاملی را به مثابه متغیری مستقل فرض کردیم. پس از آن به بررسی رابطه هر یک از اشکال دینداری (اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی) بر رضایت از زندگی زناشویی مبادرت نمودیم. بدین ترتیب نشان دادیم که برخورداری از هر یک از صور دینداری تا چه حد در رضایت از زندگی زناشویی فرد نقش دارد.

جدول 8- رابطه میان ابعاد دینداری با رضایت از زندگی

رضایت از زندگی		ابعاد دینداری
سطح معنی داری	شدت همبستگی	
** P<0/01	0/717	اعتقادی
** P<0/01	0/449	مناسکی
** P<0/01	0/692	عاطفی
** P<0/01	0/627	پیامدی

رگرسیون چند متغیره تصنعی برای بررسی اثر متغیر اصلی مستقل (دینداری) با کنترل سایر متغیرهایی که با رضایت از زندگی زناشویی رابطه داشتند مبادرت نمودیم.

ارزیابی رابطه چند متغیره میان رضایت از زندگی زناشویی و سایر متغیرهای مرتبط: پس از آن که به بررسی رابطه هر یک از متغیرها با متغیر رضایت از زندگی زناشویی پرداختیم به تحلیل

جدول 9- رابطه رضایت از زندگی زناشویی و سایر متغیرهای مرتبط

سطح معنی داری	ضریب تفکیکی (Partial)	ضریب بتا (β)	(Constant) B و	ضریب تعیین (R Square)	ضریب همبستگی (R)	شاخص‌ها / متغیرها
P<0/01 **			126/360	0/527	0/677	رضایت از زندگی زناشویی
P<0/01 **	0/598	0/416	0/196	-	-	دینداری
0/35	0/049	0/052	1/565	-	-	جنسیت

0/017	\0/125	0/122	4/178	-	-	سن
0/013	0/131	0/124	4/717	-	-	درآمد

است بنابراین در این جا فرضیه صفر رد می‌شود. لذا تفاوت میان میانگین‌ها با توجه به اثر سایر متغیرها بر رابطه این متغیر با رضایت از زندگی زناشویی معنی‌دار بوده و رضایت از زندگی افراد بر حسب میزان درآمد آنها تفاوت می‌پذیرد. همچنان که مشاهده می‌شود متغیرهای کنترل جنسیت، سن و میزان درآمد، اثر چندانی در شدت رابطه میان دینداری و رضایت از زندگی نداشته‌اند. اما آنچه که در این تحلیل رابطه چند متغیره حاصل شد اثبات عدم وجود رابطه میان متغیر جنسیت و رضایت از زندگی زناشویی است. با توجه به تحلیل تک متغیره به نظر می‌رسید که میان جنسیت و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنی‌داری برقرار است در حالی که این رابطه چندان مؤثر نبوده و تحت تاثیر متغیرهای دینداری، سن و میزان درآمد حاصل شده بود. لذا با کنترل اثر این متغیرها، نتیجه این رابطه تغییر نموده است.

نتیجه‌گیری

فرضیه نخست در پی بررسی رابطه میان دو متغیر میزان دینداری افراد و رضایت از زندگی آنان بوده است. این فرضیه به صورت زیر مطرح شده بود: «هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، رضایت از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد».

نتایج این فرضیه با توجه به نظریه‌ها و ادله مطرح شده در باب نسبت میان دین و رضایت از زندگی چندان دور از انتظار نبود. با توجه به نظریه‌های مطرح شده برای تبیین نسبت میان این دو مفهوم، هر چه میزان دینداری فرد افزایش یابد بر شدت انسجام گروهی، گسترش نظم و وفاق خانواده افزوده می‌شود. این امر از آن روی صورت می‌گیرد که دین در دستگاه فکری مورد نظر بحث حاضر از کارکردهای خاصی برخوردار بوده است که مانعی بر سر راه بحران بی‌معنایی و بی‌هنجاری بشر تلقی می‌گردد. بر این اساس دین با ارائه تبیین‌های معنوی در پاسخ به مسائل غایی بشر، نظامی عقیدتی را بنیان می‌نهد که به واسطه آن مؤمنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. عقیده به

شواهد نشان می‌دهند ضریب همبستگی رضایت از زندگی با ترکیب خطی متغیرهای دینداری، جنسیت، سن و میزان درآمد برابر است با (0/677). نسبتی از واریانس متغیر رضایت از زندگی که از طریق مذکور تبیین شده است در حدود (0/527) است. نسبت F دلالت بر آن دارد که رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی این متغیرها به لحاظ آماری معنی‌دار است ($P < 01$).

عرض از مبداء به معنی آن است که اگر تاثیر متغیر فوق کنترل شود، پایه رضایت از زندگی برابر است با (126/360). حال اگر متغیر دینداری را وارد معادله نماییم به ازای هر واحد تغییر در متغیر دینداری در حدود (0/196) واحد تغییر مثبت در رضایت از زندگی زناشویی قابل پیش‌بینی است. ضریب بتا نشان می‌دهد که تاثیر خالص دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی برابر با (0/316) است. ضریب همبستگی تفکیکی بیانگر وجود رابطه‌ای با شدت (0/498) میان دینداری و رضایت از زندگی زناشویی بدون احتساب اثر متغیرهای کنترل جنسیت، سن و میزان درآمد است.

ضریب بتا در آزمون متغیر رضایت از زندگی زناشویی و جنسیت برابر است با (0/052). نسبت F نشان می‌دهد که F مشاهده شده از F جدول کوچک تر است. در این جا فرضیه صفر بر خلاف تحلیل تک متغیره این متغیر با رضایت از زندگی تایید می‌شود. لذا تفاوت میان میانگین‌ها با توجه به اثر سایر متغیرها بر رابطه این متغیر با رضایت از زندگی معنادار نبوده و رضایت از زندگی زناشویی افراد بر حسب جنسیت آنها تفاوت نمی‌پذیرد.

ضریب بتا در واکاوی رابطه رضایت از زندگی زناشویی و سن برابر است با (0/122). نسبت F نشان می‌دهد که F مشاهده شده از F جدول بزرگتر است بنابراین در این جا فرضیه صفر رد می‌شود. لذا تفاوت میان میانگین‌ها معنی‌دار بوده و رضایت از زندگی زناشویی افراد بر حسب سن آنها تفاوت می‌پذیرد.

ضریب بتا در خصوص رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و میزان درآمد در افراد برابر با (0/124) است. نسبت F نیز بیانگر آن است که F مشاهده شده از F جدول بزرگتر

تمام توجهی که به مناسک می کند، کارمندان ضعیف تری به لحاظ مناسک گرایبی دارد. در آزمون های اکتشافی نیز نتایج نشان می دهند که مردان بیشتر از زنان، از رضایت از زندگی برخوردارند. دلایل این نتایج می توانند خود موضوعات تحقیقاتی مجزا باشند و به طور مستقل مورد مطالعه قرار گیرند.

منابع

- 1- بشیریه، حسین (1378)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- 2- پورحسین، رضا (1385)، تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر پیوندهای عاطفی در خانوادهها، انتشارات طرح نو، تهران.
- 3- جلالی مقدم، مسعود (1379)، درآمدی بر جامعه شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
- 4- جلالی مقدم، مسعود (1379)، درآمدی بر جامعه شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
- 5- دورکیم، امیل (1384)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- 6- رفیع پور، فرامرز، (1378)، کند و کاوها و پنداشتهها، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.
- 7- گوروویچ، ژرژ (1357)، مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: جامعه و اقتصاد.
- 8- ملکیان، مصطفی (1381)، راهی به رهایی: جستاری در عقلانیت و معنویت، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- 9- ملکیان، مصطفی (1383)، هویت و اصالت، تهران: جهاد دانشگاهی پژوهشکده علوم انسانی.
- 10- ویلهلم، ژان پل (1377)، جامعه شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: مؤسسه تبیان.
- 11- همیلتون، ملکم (1381)، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ دوم.
- 12- هولاب، رابرت (1378)، یورگن هابرماس، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- 13- Berger, Peter L (1974) Some Second Thoughts on Substantive versus Functional Definitions of Religion, Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 13, No. 2, p. 129.
- 14- O'Dea, Thomas F (1966) The Adequacy of Contemporary Religious Forms: An Area of Needed Research, Review of Religious Research, Vol. 7, No. 2, pp. 85-93
- 15- O'Dea, Thomas F.; Yinger J. Milton (1961) Five Dilemmas in the Institutionalization of Religion, Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 1, No. 1, pp. 30-41.
- 16- O'Dea, Thomas F (1966) 5- The Adequacy of Contemporary Religious Forms: An Area of

نظام معنایی و فکری واحد، مؤمنان را به کلیتی یکپارچه بدل می سازد که در مواجهه با جهان پیرامون، دارای اندیشه ای واحد و مسیرهای کنشی مشخصی هستند. از این روی این افراد به یکدیگر پیوند یافته و با التزام به اصول و ارزش های خاص خود را متعلق به کلیتی واحد تلقی می نمایند.

از سویی دیگر دین با پیوند میان هنجارهای اجتماعی و قدرت فراتجربی، به هنجارها و ارزش های اجتماعی مشروعیت بخشیده و در گروه و بالادست خانواده نظم و انسجام هر چه بیشتری برقرار می سازد. دین با ارائه و تایید نوعی از هنجارها و ارزش های اجتماعی عاملی برای گسترش نظم اجتماعی و کاهش بی هنجاری است. از این روی با تکیه بر این کارکردها دین می تواند در گسترش پیوند میان فرد با اجتماع، هنجارها، ارزش ها و هر آنچه که متعلق به آن است، مؤثر افتد. بدین ترتیب هر چه میزان دینداری فرد بیشتر باشد رضایت از زندگی او افزوده خواهد شد.

در فرضیه دوم؛ رابطه ابعاد مختلف دینداری و رضایت از زندگی مد نظر قرار گرفت. در بررسی میزان اثر ابعاد و اشکال مختلف دینداری بر رضایت از زندگی دریافتیم که میان هر یک از این ابعاد و رضایت از زندگی رابطه مشخصی برقرار است. در اینجا نتایج نشان می دهند که با وجود آنکه هر چهار رابطه مورد نظر معنی دار و مستقیم و مثبت هستند اما میان ابعاد یا اشکال مختلف دینداری و رضایت از زندگی از جهت ضریب شدت رابطه تفاوت وجود دارد. نتایج بیانگر این نکته هستند که سه بعد اعتقادی و پیامدی و احساسی رابطه قوی تری با رضایت از زندگی فرد داشته اند. این امر می تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی باشد. به طور مثال همانطور که جداول توصیفی نشان می دهند افراد مورد تحقیق در سه بعد اعتقادی و احساسی و پیامدی نسبت به سایر ابعاد از دینداری قوی تری برخوردارند و از آن جا که رضایت از زندگی پاسداران در سطح بالایی قرار دارد این رابطه ها، شدت بیشتری به خود می گیرند. در اینجا حائز اهمیت آن است که پاسداران در بخش مناسکی از دیگر ابعاد دینداری ضعیف تر عمل کرده و نمره ای پایین تر از دیگر ابعاد دریافت کرده اند. این خود جای تعمق و تامل زیادی دارد که چرا سپاه در بخش مناسکی با

Needed Research, Review of Religious Research ,
Vol. 7, No. 2 ,pp. 85-83

17- Robertson, Roland (1978) The Problem of the
Two Kingdoms: Religion, Individual, and Society
in the Work of J. Milton Yinger, Journal for the
Scientific Study of Religion, Vol. 17, No. 3, pp.
306-313 .

18- Yinger, J. Milton, (1996) A structural
examination of religion, Journal for the Scientific
Study of Religion, Vol. 8, pp. 88-99.